

## اولویت دادن به مذاکره هسته‌ای

### چرا مذاکرات با ایران ضروری و فوری است و می‌تواند ثمربخش باشد



آربیل لویت

پژوهشگر اندیشکده موقوفه کارنگی برای صلح بین‌الملل

آنچه در این مقاله آمده‌است، نظرات یک مقام پیشین اسرائیلی است که بر اساس دیدگاه‌های خود دولت دونالد ترامپ را تشویق به مذاکره و توافق با ایران می‌کند. در این مقاله ادعاهای نادرست متعددی در مورد برنامه هسته‌ای ایران مطرح شده‌است. ترجمه و انتشار این مقاله به معنای تأیید محتوای آن نیست، بلکه با این هدف در روزنامه «هم‌میهن» منتشر می‌شود که دیدگاه‌های اندیشکده‌های غربی و همچنین توصیه‌هایی که از طرف رسانه‌ها و تحلیل‌گران به دولت آمریکا در مورد مواجهه با ایران می‌شود، در اختیار مخاطبان ایرانی قرار بگیرد.

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، مشتاق یک گشایش دیپلماتیک است. او اگر می‌خواهد در اجرای تعهدش (و تعهد اسلافاش) در جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای موفق باشد، باید به مذاکرات دیپلماتیک با ایران اولویت دهد. هیچ بعید نیست که این مذاکرات موفق باشد. نکته اینجاست که باید شناسایی کرد چه عاملی باعث می‌شود مذاکرات ممکن و مطلوب باشد.

مذاکرات باید برای هدفی قابل قبول برای همه طرف‌ها و در راستای منافع ایالات متحده آمریکا و جامعه بین‌الملل در بلندمدت باشد. برنامه هسته‌ای ایران باید در اولویت باشد، چراکه ایران در آستانه ساخت بمب است و آسیب‌پذیری‌های استراتژیک کنونی‌اش به دلیل ضربه‌های کاری که به حماس و حزب‌الله ایجاد شده‌است، در کنار حملات اسرائیل به سرزمینش، انگیزه ایران را برای چنین کاری بیشتر کرده‌است. اگر واشنگتن زود نجنبید، اهرم فشارش را هم از دست می‌دهد، یعنی سازوکاری که اجازه می‌دهد تحریم‌های سازمان ملل متحد که پاییز سال آینده منقضی می‌شوند، احیا شود.

مذاکره با ایران همواره سخت و پرچالش بوده‌است. اما این بار چنین مذاکراتی بیش از پیش پرچالش است. چراکه این مذاکرات همزمان با دستور کار پر از بحران جامعه بین‌الملل انجام می‌شود. علاوه بر این مذاکرات هسته‌ای در حالی در دستور کار قرار می‌گیرد که اولویت‌های استراتژیک دیگری نیز در مورد ایران وجود دارد، از جمله «تلاش برای مقابله با حمایت نظامی ایران از جنگ روسیه علیه اوکراین، اقدام‌های ثبات‌زاد منطقه‌ای و سرکوب داخلی.» عوامل مشکل‌زای دیگری هم وجود دارد که از جمله آنها می‌توان به نگرانی جهانی از کاهش صادرات نفت خام ایران، حمایت دیپلماتیک روسیه از ایران، ابهام در مورد موضع چین در مورد تلاش‌ها به رهبری آمریکا و تنش‌ها میان آمریکا و متحدان اروپایی‌اش اشاره کرد. در کنار اینها بی‌اعتمادی ایران نسبت به دونالد ترامپ که از توافق هسته‌ای پیشین خارج شد، دستور ترور ژنرال سپاه قدس قاسم سلیمانی را صادر کرد و سیاست تحریم‌های «فشار حداکثری» را در قبال ایران در پیش گرفت، چندان کمکی به موفقیت مذاکرات نمی‌کند. از طرف ترامپ هم نقشه‌های ترور او که از ایران الهام گرفته‌بود، قطعاً باعث ایجاد اعتماد نمی‌شود. با تمام این احوال، تلاش دیپلماتیک به رهبری ترامپ نه تنها ضروری است، بلکه ممکن است ثمربخش هم باشد. رویکرد غیرمعمول سیاسی ترامپ در این مورد می‌تواند کارساز باشد و باعث شود او بتواند به شکلی تحریم‌ها را مرتفع کند که هیچ رئیس‌جمهوری پیش از او نمی‌توانست. اساساً شرط موفقیت ترامپ در این مسیر این است که از سیاست‌های پیشینانش جدا شود و رویکرد تازه‌ای در قبال مذاکرات در پیش بگیرد.

تأمین ترامپ به اعمال تحریم‌های حداکثری که جو بایدن، دولت رئیس‌جمهور پیشین کاملاً به بهره‌برداری از آنها بی‌میل بود و همچنین رغبتش به یک توافقنامه هسته‌ای جدید که چندان ارتباطی با توافق تقریباً مرده برجام ۲۰۱۵ نداشته‌باشد، که دولت بایدن بسیار علاقه‌مند بود تا آن را احیا کند، باعث می‌شود که یک مسیر جدید شکل بگیرد. مسیرهای غیرمتعارف دیپلماتیک در عین حال ممکن است برای ایرانی‌ها هم جذاب باشد که در بحران اقتصادی فرو رفته‌اند و به دلیل سقوط حزب‌الله و حماس و سرنگونی رژیم بشار اسد، رئیس‌جمهور پیشین سوریه، جایگاه استراتژیک‌شان را از دست داده‌اند و علاوه حملات مستقیم اسرائیل باعث شده‌است که آسیب‌پذیری‌های نظامی‌شان برملا شود. نهایتاً این امید که دیپلماسی ممکن است ثمربخش باشد، ناشی از این است که راه‌حل‌های جایگزین برای هر دو طرف ریسک‌های زیادی دارد. اگر ایران بخواهد به سمت ساخت سلاح هسته‌ای برود، آمریکا و اسرائیل ممکن است برای جلوگیری از آن وارد جنگ با ایران شوند. چنین جنگی برای ایران بسیار هزینه‌دار، اما در عین حال می‌تواند باعث یک منازعه فراگیر منطقه‌ای شود که تمرکز و منابع ایالات متحده را در خود فرو بکشد.

در عین حال هیچ تضمینی وجود ندارد که چنین جنگی بتواند جلوی بازسازی برنامه هسته‌ای ایران را بگیرد یا باعث سرنگونی نظام جمهوری اسلامی شود. شکست در جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای نه تنها باعث توانمندتر شدن نظام ایران می‌شود بلکه احتمالاً بقیه کشورهای منطقه و فراتر از آن را متقاعد می‌کند که به دنبال سلاح هسته‌ای خودشان بروند. با توجه به این واقعیت‌های استراتژیک



مالی و مدیریت نظام‌های بهداشتی خود بر عهده بگیرند. برخی از کشورها همین حالا هم توانمندی خودشان را در افزایش بودجه بهداشتی داخلی و کاهش وابستگی به کمک‌های خارجی نشان داده‌اند. برای مثال آفریقای جنوبی امروزه بیش از ۵۰ درصد از تجهیزات درمانی ایدز را که در میان جمعیتش توزیع می‌شود، در داخل تولید می‌کند؛ هند به بزرگ‌ترین تولیدکننده واکسن جهان تبدیل شده‌است و واکسن‌های ارزان و در عین حال با کیفیت به جهان عرضه می‌کند که جان میلیون‌ها نفر را در جنوب جهانی نجات داده‌است. ابتکار سیاستگذاری بهداشت جنوب جهانی دوحه قصد دارد تا جایگاهی برای کشورهای جنوب جهانی تعریف کند که بتوانند در آن راهبردهای‌شان برای تقویت نظام‌های درمانی را در میان بگذارند. این ابتکار فقط یک گام به پیش است، اما بحران عمومی بهداشت جهانی ضرورت همکاری عمیق‌تر را به ما نشان می‌دهد. جنوب جهانی باید از فرصت استفاده کند و راهکارهای پایداری را ایجاد کند و در مسیر سیاستگذاری جهانی بهداشت جایگاه واقعی خود را پیدا کند.

### دوراهی مصر و نسخه شمار دوی نکبت

عادل عبدالغفار



بر کسی پوشیده نیست که برنامه اسرائیل همواره این بود که مردم غزه را به کشورهای همسایه آواره کند، چیزی که به آن نکبت دوم گفته می‌شود. حالا این ایده در دولت آمریکا هم بروز پیدا کرده‌است و دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا پیشنهاد می‌دهد که تمام جمعیت غزه را به شکل دائمی از آنجا بیرون کنند. یک منطقه تفریحی رویبورا متعلق به آمریکا ایجاد کنند. این اظهارات پزواک گفته‌های دامادش است که یک سال پیش بیان کرده‌بود. هم مصر و هم اردن به برنامه آمریکا برای جابه‌جایی جمعیت اعتراض و با آن مخالفت کرده‌اند. چنین اقدامی در حقوق بین‌الملل آواره‌سازی اجباری عمومی تعبیر می‌شود. هر چند گزارش‌های تاییدنشده‌ای وجود دارد که ایالات متحده سعی می‌کند تا از مناقشه مصر و اتیوپی بر سر سد رودخانه نیل استفاده کند تا مصر را متقاعد کند که اهالی غزه را در صحرای سینا پذیرد. عبدالفتاح سیسی، رئیس‌جمهور مصر در چند موقعیت مختلف اعلام کرده‌است که این موضوع قابل پذیرش نیست. سیسی در تازه‌ترین اظهار نظر خود گفته‌است که حتی اگر دولت مصر بخواهد به صورت موقت اهالی غزه را در خاک خود بپذیرد تا غزه بازسازی شود باز هم «مصری‌ها به خیابان‌ها خواهند ریخت و نه» خواهند گفت. هر چند مصر تحت فشار اقتصادی قرار دارد و سد نوزایی بزرگ اتیوپی به عنوان یک بحران موجودیتی برای این کشور مطرح است، اما دولت مصر می‌داند که هیچ چیز موقتی در مورد پذیرش اهالی غزه در صحرای سینا وجود ندارد. نه تنها جابه‌جایی این جمعیت فشار را بر اقتصاد کشور که به دلیل جمعیت آوارگان از چندین منازعه و بحران دیگر در منطقه تحت فشار است افزایش خواهد داد، بلکه این اقدام بر امنیت مصر هم تأثیر می‌گذارد. حماس و دیگر گروه‌هایی که در میان اهالی غزه به مصر وارد شوند، از سرزمین مصر استفاده خواهند کرد تا به اسرائیل و احتمالاً اهدافی در داخل مصر حمله کنند. هر چند هنوز زود است که بدانیم ترامپ در مورد این پیشنهاد جدی است یا فقط آن را به عنوان یک تاکتیک مذاکراتی مطرح کرده‌است، یک مسئله کاملاً روشن است: جابه‌جایی جمعیت غزه، آثار منفی شدیدی برای فلسطینیان، مصر، منطقه و جهان بر جای خواهد گذاشت.

### دیپلمات‌ها



### فشارها مانع برنامه هسته‌ای ایران نمی‌شود

سیدکمال خرازی، رئیس شورای راهبردی روابط خارجی در گفت‌وگویی با روزنامه المصری الیوم تأکید کرد: «مسئله نتانیاهو از اخلال در برنامه هسته‌ای ایران دست بر نخواهد داشت و شکی نیست که ترامپ نیز از مخالفان سرخست برنامه هسته‌ای ایران است. اما فشار دیگران مانع ادامه برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران نخواهد شد. ما در دستیابی به فناوری هسته‌ای و امدار هیچ کشوری نیستیم و آنچه به دست آورده‌ایم نتیجه تلاش‌های دانشمندان خودمان بوده‌است که برخی از آنها نیز توسط رژیم اسرائیل جانی‌تکار ترور شدند. به هر صورت، دانش هسته‌ای در ایران تثبیت شده‌است و دانش رانمی‌توان با زور و فشار نابود کرد.» سیدکمال خرازی با اشاره به تاریخ پرتنش این منطقه تأکید کرد: «تسلط بر خاورمیانه همواره از اهداف استعمارگران بوده و ایجاد رژیم اسرائیلی نیز با هدف بی‌ثبات‌سازی منطقه صورت گرفته‌است.» وی با انتقاد از سیاست‌های آمریکا و رژیم صهیونیستی افزود: «آمریکا و اروپا از این منطقه دست‌بردار نیستند و ایجاد اختلافات، بی‌ثباتی و جنگ، مداخله آنها را تسهیل می‌کند. تلاش آمریکا برای تسلط بر منطقه چه از طریق رژیم جعلی نیابتی آمریکا (یعنی اسرائیل)، چه به‌طور مستقیم نیاز به توضیح ندارد. آخرین نشانه آن سخنان ترامپ در روزهای گذشته بود که با ولعی سیری‌ناپذیر آرزو کرد باریکه خوش آب و هوای غزه را در کنار دریای مدیترانه تصاحب کند.» خرازی تأکید کرد: «منطقه خاورمیانه که به دلیل اهمیت اقتصادی و ژئوپلیتیک آن، مطمح نظر آمریکاست، باید به‌عنوان یک منطقه قدرتمند موقعیت خود را در جریان تلاش قدرت‌های نوظهور برای ایجاد جهانی چندقطبی تثبیت و سهم‌خواهی کند. البته لازمه این کار، ایجاد سازوکاری متشکل از کشورهای عربی و غیرعربی منطقه از جمله ایران، برای همکاری جامع امنیتی، سیاسی و اقتصادی، به‌رغم نظامات حکومتی متفاوت است، تا منطقه به عنوان یک مجموعه بتواند در جهان چندقطبی آینده ایفای نقش کند.» در بخش دیگری از این مصاحبه، خرازی گفت: «مبارزات مردم منطقه علیه قدرت‌های مداخله‌گر، به‌خصوص مبارزات مردم فلسطین، ادامه خواهد داشت.» وی از کشورهای منطقه خواست با تقویت استقلال خود، در برابر فشارهای خارجی مقاومت کنند. خرازی در خصوص روابط ایران و مصر اظهار داشت: «ایران و مصر دو کشور بزرگ با سوابق تمدنی عظیم هستند و برقراری رابطه سیاسی بین دو کشور موکول به اراده مقامات عالی‌دو کشور فارغ از هرگونه اختلاف‌نظر درباره مسائل گذشته و حال است.» رئیس شورای راهبردی روابط خارجی در پاسخ به سوالی درباره نقش مقاومت در منطقه گفت: «مقاومت تفکر و مکتب مبارزاتی است و هر چند هم که در جریان مبارزه صدمه ببیند، نابودشدنی نیست.» خرازی در پایان در خصوص برنامه هسته‌ای ایران گفت: «تحریم‌های اقتصادی هیچ تأثیری بر فعالیت‌های هسته‌ای ایران نداشته‌است و ایران روزبه‌روز توفیقات بیشتری در زمینه فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای به دست می‌آورد.» وی همچنین گفت ایران آمادگی دارد در انتقال توانمندی‌های علمی و فنی خود در این زمینه با کشورهای منطقه همکاری کند. خرازی در بخشی دیگر از این مصاحبه گفت: «برقراری رابطه سیاسی بین ایران و عربستان که با وساطت چین انجام گرفت، یکی از اقدامات هوشمندانه رهبران دو کشور بود که نه تنها به نفع دو کشور، بلکه به نفع کل منطقه است. البته برقراری رابطه سیاسی باید به همکاری جامع دو کشور، به‌خصوص در زمینه‌های اقتصادی، امنیتی و نظامی بینجامد. ایران و عربستان دو کشور بزرگ این منطقه هستند و همکاری آن دو، می‌تواند آثار مهمی در منطقه و در سطح بین‌المللی داشته‌باشد. البته اختلاف‌نظر ممکن است حتی بین دو برادر نیز وجود داشته‌باشد. لذا با وجود آنکه ممکن است بین کشورها در مورد برخی از مسائل اختلاف نظر وجود داشته‌باشد، باید به اهداف و منافع عالی‌تر مشترک فکر کرد و زمینه‌های همفکری و تقویت همکاری را به جای تأکید بر اختلافات جست‌وجو کرد.»